

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه صد و بیست و یکم، ۳۰ خرداد ۱۴۰۱

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/معاملات غیر شرعی در بورس /معاملات غرری، ربوی و

...

1- حدیث اخلاقی (منازل سیر و سلوک در خطبه متقین)

«فَمِنْ عِلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينٍ، وَحَزْماً فِي لِينٍ، وَإِيمَاناً فِي يَقِينٍ، وَحِزْماً فِي عِلْمٍ، وَعِلْماً فِي حِلْمٍ، وَقَصْداً فِي غَيٍّ، وَخُشوعاً فِي عِبَادَةٍ، وَتَجَمُّلاً فِي فَاقَةٍ، وَصَبْراً فِي شِدَّةٍ، وَطَلَباً فِي خَلَالٍ، وَنَشَاطاً فِي هُدًى، وَتَحَرُّجاً عَنْ ظَمْعٍ. يَعْمَلُ الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةَ وَهُوَ عَلَى وَجَلٍ. يُمِسي وَهَمُّهُ الشُّكْرُ، وَيُصْبِحُ وَهَمُّهُ الذِّكْرُ. يَبِيتُ حَذِراً وَيُصْبِحُ فَرِحاً; حَذِراً لَمَّا حُذِرَ مِنَ الْغَفْلَةِ، وَفَرِحاً بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ. إِنْ اسْتَضْعَبَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فِيمَا تَكْرَهُ لَمْ يُعْطِهَا سُؤْلَهَا فِيمَا تُحِبُّ [1].»

در اوصاف سالکان بودیم و کسانی که جزو برجستگان و جزو کسانی هستند که مسیر حق را می‌پیمایند و به حضرت حق می‌رسند. در این تعبیر حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، امام سالکان به عنوان علامت مطرح می‌کنند. از خصوصیات متقین این ۱۲ نشانه است. مسیر سیر و سلوک را مشخص می‌کنند. تقاضا می‌کنم از همه کسانی که مسیر حق را می‌پیمایند و به ویژه کارگزاران نظام اسلامی و به خصوص کسانی که تازه مسئولیت جدید به اعتماد مردم نصیب‌شان شده از رئیس جمهور تا شوراها که خدا را شکر کنند و سعی کنند این اوصاف را داشته باشند:

1-1-1، منزل سی و هشتم: قوت در دین

1-1-2، منزل سی و نهم: قاطعیت همراه با ملایمت

در عین قاطعیت باید مواظب حرف‌هایش باشد، به خصوص رئیس جمهور با خشونت حرف نزنند و با ملایمت حرف بزنند. به تعبیر امام رحمه‌الله: «رئیس جمهور نظام اسلامی باید بر دل‌ها حکومت کند، نه تنها بر تن‌ها.»

1-1-3، منزل چهلم: ایمان همراه با یقین

اطمینان به توانایی داخل و توکل به عطیه‌های باری تعالی داشته باشند. به تعبیر امام صادق (علیه‌السلام): «إِنَّ الْإِيمَانَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ وَإِنَّ الْيَقِينَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَعَزَّ مِنَ الْيَقِينِ [2].» باید به باور برسند. سخن‌های نسنجیده نزنند.

1- 1.4، منزل چهل و یکم: حرص در دانش

1- 1.5، منزل چهل و دوم: علم همراه با حلم

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی به عنوان بصری می فرمایند: «فمن قال لك ان قلت واحدة سمعت عشرة فقل إن قلت عشرة لم تسمع واحدة... فاسأل العلماء ما جهلت، وإياك أن تسألهم تعنتاً» [3].

1- 1.6، منزل چهل و سوم: میانه روی همراه با پی نیازی

1- 1.7، منزل چهل و چهارم: خشوع در عبادت

1- 1.8، منزل چهل و پنجم: آراستگی همراه با تهی دستی

مؤمنین طوری هستند که ﴿يَخْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءُ مِنَ التَّعَفُّفِ﴾؛ [4] این قدر عقیف هستند که نادان ها گمان می کنند دارا هستند. هم خود عفت دارند و هم دیگران را دعوت به عفت می کنند. اگر اینها آزاد مرد بودند، می گفتند: «الْمَنِيَّةُ وَلَا الدَّنِيَّةُ»؛ [5] ما مرگ را می پذیریم، ولی ذلت را نمی پذیریم. جمله امام حسین (علیه السلام) این است: «هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ» [6].

1- 1.9، منزل چهل و ششم: صبر در مشکلات

1- 1.10، منزل چهل و هفتم: طلب حلال

1- 1.11، منزل چهل و هشتم: نشاط در هدایت

1- 1.12، منزل چهل و نهم: پرهیز از طمع

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جای دیگری از نهج البلاغه می فرمایند: «الطَّمَعُ رِقٌّ مُؤَبَّدٌ» [7]. «اگر چشم مان به دست دیگران باشد، همیشه اسیر آنها هستیم. حق، معیار ما است. اگر عقل مان را بر اعمال مان و هواهای مان حاکم کردیم، می توانیم مسیر حق برویم و شیطان به ما دسترسی ندارد؛ چرا که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «ثلاثة معصومون من ابليس و جنوده: الذاکرون لله و الباكون من خشية الله و المستغفرون بالاسحار»؛ [8] سه گروه هستند که از شر شیطان و لشکرش در امان هستند؛ کسانی که همواره ذکر خدا می گویند و از ترس خداوند گریه می کنند و در سحرها استغفار می کنند.

ان شاء الله دست اندرکاران ما به خصوص مسئولین جدید این گونه باشند. قول شان با عمل شان یکی باشد و اهل یقین باشند، نه اینکه خدای نخواستہ نفاق داشته باشند.

2- خلاصه جلسه گذشته

بحمدالله در مباحث بورس رسیدیم به این عنوانی که چگونه باید سهام را خرید و فروش کنیم. در سهام باید مشارکت در عین و اعیان باشد، نه صرفاً در منافع. اگر منافع، تابع اعیان باشد، عیبی ندارد. شخصیت حقوقی در معامله، مانند شخصیت حقیقی است. اگر سودهایی بگیرند، داخل در ربا می‌دانیم؛ چرا که ربا برای معاملات ربوی است، نه برای اشخاص که مکلف به ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ [9] هستند. بانک‌ها هم باید در حیطه عقود شرعی حرکت کنند. گرچه برخی معتقدند شرکت‌ها مشمول ربا نمی‌شوند؛ ولی ما ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ را از آن مکلفین و برای معاملات ربوی می‌دانیم؛ حال اعم از اینکه مکلفین انجام دهند، یا شرکت‌ها و بانک‌ها. بانک‌ها هم توسط اشخاص، یعنی هیئت‌مدیره یا مدیرعامل و مانند آن اداره می‌شود.

3- معاملات غیرشرعی در بورس

3.1- معاملات غری

3.1.1- ملاک غری بودن معاملات در بورس

ما خط قرمز نامشروع بودن معاملات را در بورس، ربوی بودن و غری بودن می‌دانیم. ربوی بودن را گفتیم.

در غری بودن، دو مبنا است:

مبنای اول این است که غری بودن، یعنی آنچه در بورس انجام می‌شود، انسان باید علم تفصیلی داشته باشد؛ مانند اینکه در مغازه جنسی می‌خواهید بخرید، باید کاملاً جنس را بشناسید.

مبنای دیگر اینکه علم اجمالی هم کافی است؛ مثلاً کسی گفته خانه‌ای در فلان‌جا دارم و خصوصیاتش را گفت و شما قانع شدید.

3.1.2- صحت معاملات بورس با علم اجمالی به خصوصیات سهام و غری نبودن این معاملات

آیا معامله با علم اجمالی صحیح است، یا خیر؟

ما در غری بودن با کمال معذرت از آقایانی که نظر دیگری دارند، علم اجمالی را کافی می‌دانیم؛ یعنی همین که بداند جنسی می‌خرد و بین آنچه می‌خرد و نمی‌خرد، در آگاهی تفاوت بگذارد؛

مثلا همین که بداند سهام فلان شرکت است، کافی است. لازم نیست حتما بداند که سهام تراکتورسازی است، یا سهام فلان جا است؟ نیاز نیست تفصیلا خصوصیات را بداند. دانستن، کمال است، ولی ندانستنش غرری بودن را نمی آورد. اگر علم تفصیلی لازم باشد، خرید و فروش خیلی از سهام ها جایز نیست. شرکتی یا شخصی سهامی را می فروشد، همین که می داند سهام فلان جا است، کافی است.

3.1.2.1-تعریف سهام

در تعریف سهام در قانون تجارت این گونه آمده است:

«شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده است و مسئولیت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است [10]». در بخش دیگر اینگونه تعریف کرده اند: «سهام، قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع آن در شرکت سهامی می باشد. ورقه ی سهم، سند قابل معامله ای است که نماینده ی تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد [11]».

3.1.2.2-کفایت علم اجمالی برای معامله سهام

پس وقتی می گوئیم اوراق بهادار و اوراق سهام، یعنی سندی که در دست افرادی است که حاکم از خصوصیات سهامی یک شرکت است. و همین کفایت می کند. فرقی نمی کند که سهام شرکت ورشکسته ای را بخرد، یا شرکت آباد شده؛ تفاوتی ندارد. مانند اینکه انسان با کسی پولی روی هم بگذارد و زمینی بخرد؛ آباد، یا غیر آباد. عرض ما این است که در سهام، علم اجمالی و تشخیص اجمالی کفایت می کند. سهام به معنای تعیین یک مشارکت است، ولو اینکه کسی که خرید و فروش می کند، نداند آن سهام در کجا است. ولی اگر قائل به علم تفصیلی شدیم، همه را باید بداند.

3.2-معاملات همراه با تبانی برای ضرر به دیگران

اکثر خرید و فروش کننده های در بورس، متخصص نیستند؛ ولی کارگزاران و عاملان و به خصوص، حقوقی ها در بورس، متخصص هستند. نوسات شاخص ها دست اینها است. اگر کسی روی شاخص ها در بورس معامله کرد، اگر تبانی کنند، منع شرعی دارد.

3.3-معاملات ربوی و غری

معاملات ربوی در بورس، توسط اشخاص و شرکت ها ممنوع است.

معاملات در بورس نباید غری باشد؛ یعنی باید علم اجمالی به مبنای ما داشته باشد. علم اجمالی کفایت می‌کند؛ یعنی ارزشش را بداند.

3.4- معامله با اعیان محرمه

معاملات نباید منع شرعی داشته باشد. اجناس ایتم و اجناس محرمه مانند آلات قمار نباشد. بورس‌های خارج که شراب و سگ و خوک معامله می‌کنند، منع شرعی دارند. عقود را عقلایی و بعد از آن، شرعی می‌دانیم عقود باید عقلایی باشد؛ اگر عقلا منع کردند، مشروعیت ندارد. عقود، غیرمنحصر است و به اعتبار عقلا تکثیر می‌شود.

3.5- معامله منافع بدون اعیان

معاملات در بورس باید بر اساس و بر وفق عقود شرعیه باشد. مشارکت باید در اعیان باشد، نه منفعت تنها.

3.5.1- ادله صحت معاملات سهام با علم اجمالی

3.5.1.1- دلیل اول: قاعده اختلال نظام

اگر شاخص‌های تنها را خرید و فروش کند جایز نیست. خصوصیات سهام باید برای خریدار یا فروشنده یا وکیل آنها ولو اجمالا معلوم باشد؛ اگر چنین نباشد، معامله سهام، باطل است. همین قدر که بداند چقدر است و چطوری است، کافی است. لازم نیست که تفصیلا بداند که این شرکت، چند سهم دارد و ارزشش چقدر است؟ ابزار فیزیکی دارد، یا برای ارزهای دیجیتال، اعتباری است، یا واقعی است؟ ارزش زمین و اعیان است، یا نیست؟ همین قدر که بداند این سهام برای فلان شرکت است و هر سهم این قدر ارزش دارد، کفایت می‌کند. اگر تفصیلا اینها را بداند، کمال است، ولی در عدم صحت معامله، تأثیری قائل نیستیم. چرا که عقلا معمولا معامله با علم اجمالی دارند. گاهی علم تفصیلی باعث عسر و حرج است. ما به دلیل قاعده عسر و حرج، علم تفصیلی را لازم نمی‌دانیم؛ چون اختلال نظام اقتصادی رخ می‌دهد. ما بر اساس مباحث گذشته طبق آیات و روایات، قاعده اختلال را حاکم دانستیم. این قاعده اختلال نظام می‌گوید علم اجمالی کفایت می‌کند.

3.5.1.2- دلیل دوم: وجود کارگزاران در بورس و ابزار دیجیتال (رجوع به عالم و متخصص)

معمولا الآن این گونه است که سهام در معامله بورس، لحظه به لحظه اوضاعش مشخص است. با شاخص‌های ردیابی افزایش و کاهش و یا با خصوصیتی که خود شرکت برای بایع و مشتری ارائه می‌کند. همین قدر کفایت می‌کند. خرید و فروش بر اساس ابزار دیجیتالی است.

با رایانه است و همه اطلاعات را به انسان می‌دهد. وکلای آنها آگاهی دارند. کارگزاران حق عمل خود را می‌گیرند و وکیل برای معاملات مختلف هستند و متخصص هستند. کسانی که با کارگزاران قرارداد می‌بندند، کارگزار برایش به مشارکت، یا مرابحه، یا اوراق بهادار و قرضه معامله می‌کند. در مواردی خرید و فروش اوراق قرضه جایز نیست. فعلاً نتوانستند در اقتصاد ایران مدیریت کنند.

3.6- تفصیل در معامله در بورس نسبت به مواردی که در زمان شارع حرام بوده مانند مجسمه

شرکت‌هایی که مانکن و عروسک می‌سازند، اگر مقلد کسانی هستند که مجسمه‌سازی را جایز نمی‌دانند، خرید و فروش آن جایز نیست؛ ولی اگر صنعتی است، مانند سایر صنایع، عیبی ندارد. سابق، دلیل حرمت این امور به خاطر پرستش بود؛ ولی الآن چون علت حرمت از بین رفته است، اشکالی ندارد. شاید مکروه باشد. اگر کارگزاری مقلد فقیهی بود که مجسمه‌سازی و مانکن‌سازی و عروسک‌سازی را حرام می‌دانست، نباید معامله کند. در قرارداد با شرکت‌ها باید دقت کنند که بر خلاف قوانین اسلامی نباشد؛ یعنی معاملات غرری و ربوی و محرم و بر اشیای محرم نباشد؛ اینها که نباشد، معامله در بورس اشکال ندارد.

3.7- مغایر نبودن معاملات در بورس با قوانین دولتی

از موارد منع این است که فقیهی نظرش این بود که قوانین دولتی، قوانین شرعی است. خیلی از فقها نظرشان، این است. حاکم و دولت‌ها قوانین‌شان مانند قانون شرعی است و اطاعت لازم است. در نظام ولایت فقیه، به خصوص در ایران، این گونه است؛ در این صورت اگر منع معامله با برخی دولت‌ها را قانون‌گذاری کردند، باید رعایت آن قوانین بشود؛ مثلاً معامله با اسرائیل ممنوع است؛ در نتیجه نمی‌شود در بورس با شرکت‌های صهیونیستی معامله کرد؛ یا جنسی خریده شود که محرم است؛ مانند آلات قمار و مشروبات و مانند آن.

3.8- مشروع نبودن معاملاتی که در بورس منجر به کلاهبرداری می‌شود مانند شرکت‌های هرمی

از مصادیق محرم در معاملات بورس این است که جزو مصادیق کلاهبرداری باشد. همه شرکت‌های هرمی، جزو مصادیق کلاهبرداری است و غیر شرعی است.

[1] نهج البلاغة، الدشتی، محمد، ج ۱، ص ۲۰۵، خطبه ۱۹۳.

[2] الکافی- ط الاسلامیة، الشیخ الکلینی، ج ۲، ص ۵۱.

[3]بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ١، ص ٢٢٦.

[4]بقره/سوره ٢، آيه ٢٧٣.

[5]نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٣٧٧، حكمت ٣٩٦.

[6]اللهوف على قتلى الطفوف، السيد بن طاووس، ج ١، ص ٩٧.

[7]نهج البلاغة، الدشتي، محمد، ج ١، ص ٣٤٣، حكمت ١٨٠.

[8]مستدرک الوسائل، المحدث النوري، ج ١٢، ص ١٤٦ و ١٤٧.

[9]بقره/سوره ٢، آيه ٢٧٥.

[10]قانون تجارت، مصوب ١٣/٢/١٣١١، باب سوم، فصل اول، ماده ٢٠، مبحث اول
(شرکت های سهامی)، بخش ١، ماده ١.

[11]همان، بخش ٢، ماده ٢٤.